

سخن سردبیر



پتانسیل‌های معدنی کشور و قرارگیری معدن در ابتدای زنجیره‌های تولید، فرصتی مناسب برای نقش‌آفرینی معدن در فرآیند رشد اقتصادی و توسعه کشور است. مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی در کشورمان بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. بر این اساس، بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود و بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، معدن، تجارت و خدمات می‌شود. مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. قانون اساسی به صراحت بیان می‌کند که مالکیت در این سه حوزه تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون است. خوشبختانه، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ ابلاغ شد. بر اساس بند ۱ بخش الف سیاست‌های ابلاغی، دولت حق فعالیت جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ ندارد و موظف است که هر گونه فعالیت که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنجم توسعه، سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت دهد و به بخش‌های تعاونی، خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. بر اساس بند ۲ بخش الف سیاست‌های ابلاغی، بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز، اجازه فعالیت جدید در معادن بزرگ را دارند. در واقع، بخش دولتی نه تنها اجازه فعالیت جدید در بخش معادن را نداشته، بلکه ادامه انجام فعالیت‌های معدنی در اختیار دولت را نیز باید به بخش‌های غیردولتی واگذار می‌شد. این مهم پس از گذشت بیش از ۲۰ سال به طور شایسته و بایسته محقق نشده است. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نیز که از سال ۱۳۸۴ آغاز شد، سال جاری به پایان رسید ولی کشور با اهداف کمی و کیفی پیش‌بینی شده در سند یادشده فاصله زیادی دارد و اهداف کمی مندرج در آن، در مواردی، روز آغاز سند چشم‌انداز شرایط بهتری داشته‌اند. بنابراین، ضرورت دارد با گذر از اقتصاد دولتی و تفکر آن، به طور واقعی و در عمل، به سوی اقتصاد خصوصی تغییر ریل دهیم و دولت نقش حاکمیتی و نظارتی خود را تقویت نماید. اسناد بالادستی از جمله برنامه پنج‌گانه توسعه کشور و وظیفه سنگینی را بر عهده بخش معدن برای دستیابی به رشد اقتصادی دو رقمی گذاشته است. در کنار بخش خصوصی، سازمان‌های قانون‌محور و تخصصی مانند نظام‌های مهندسی نقش بی‌بدیلی در کوچک‌سازی دولت از طریق سازوکار تفویض اختیار به منظور کمک به رشد اقتصادی کشور دارند. با اینکه اسناد بالادستی، سند چشم‌انداز و قانون سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر مقررات مربوط، شرایط را برای این تفویض اختیار فراهم می‌ساخت ولی تبصره ذیل ماده ۳۴ قانون معادن، فرصتی طلایی برای تفویض امور غیرحاکمیتی و تخصصی را به سازمان نظام مهندسی معدن فراهم نمود. این سازمان به عنوان بزرگترین تشکل تخصصی در فعالیت‌های معدنی که در کل کشور ساختار قانونی نظام‌مندی دارد، روز به روز شرایط مناسب‌تری برای تفویض اختیار دولت به این سازمان را پیدا می‌کند.

رضا غیاثوند

سردبیر